

بخش اول

کلیات



فصل اول تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن

ماده ۱: آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضائی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.

مواد قانونی مرتبط:

به آیین‌نامه‌ی میانجی‌گری در امور کیفری مصوب ۱۳۹۴/۹/۸؛ مندرج در آیین‌نامه‌ها و قوانین خاص رجوع شود.

نظریات مشورتی:

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۵۴۹ - ۱۳۹۴/۳/۲ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: میانجی‌گری و صلح هر دو از شیوه‌های جایگزین حل اختلاف می‌باشند که مقنن در ماده‌ی یک قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آنها را در عرض یکدیگر مطرح نموده و در مواد ۸۲، ۸۳، ۸۴ این قانون سازوکار شرایط و ضوابط مشخصی برای میانجی‌گری پیش‌بینی نموده است صلح و سازش ممکن است نتیجه میانجی‌گری باشد یا از هر طریق دیگری حاصل شود. براین اساس قانونگذار در مقررات مختلف از جمله مواد ۱۹۲ به آن اشاره کرده است.

ماده ۲: دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.

مواد قانونی مرتبط:

۱- به ماده‌ی ۲۵۰ همین قانون رجوع شود.

۲- اصل ۳۶ قانون اساسی: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد».

۳- اصل ۱۹ قانون اساسی: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود».

۴- بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند. هر کس حق دارد به این که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقیقت اتهامات جزائی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در مورد مدنی اتخاذ تصمیم بنماید».

ماده ۳: مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.

**مواد قانونی مرتبط:**

۱- به مواد ۹۴ و ۲۱۳ همین قانون رجوع شود.

نظریات مشورتی:

۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۱۴۷۳ - ۱۳۹۳/۶/۲۴ اداره کل حقوقی قوه قضاییه: فلسفه وضع ماده ۲۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، حفظ حقوق دفاعی اشخاص متهم به ارتکاب جرم است؛ زیرا همانگونه که در ماده ۳ قانون فوق‌الذکر و نیز ماده ۹۴ آن تأکید دارد، تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود؛ بنابراین چنانچه وضعیت به گونه‌ای باشد که حقوق دفاعی متهم تأمین شده باشد؛ مانند مواردی نظیر فرض سؤال که شخص احضار شده به عنوان مطلع یا شاهد، آمادگی خود را برای تحقیق از وی به عنوان متهم ابراز نماید، بازپرس می‌تواند با احراز آمادگی متهم در دفاع و لحاظ ماده ۱۹۰ قانون یاد شده و تفهیم حق متهم در داشتن وکیل، مبادرت به انجام تحقیق، بدون لزوم احضار مجدد نماید. بدیهی است مواردی که انجام تحقیق منجر به صدور قرار تأمین کیفری و در نهایت بازداشت متهم می‌گردد، می‌تواند دال بر عدم آمادگی متهم در دفاع و تدارک لازم جهت جلوگیری از بازداشت وی باشد؛ اما در هر صورت احراز شرایط، منوط به اعلام آمادگی متهم و تشخیص بازپرس ذی‌ربط می‌باشد.

ماده ۴: اصل، براءت است هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

مواد قانونی مرتبط:

۱- بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵: «محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر براءت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد».

۲- اصل ۳۷ قانون اساسی: «اصل، براءت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

۳- اصل ۳۹ قانون اساسی: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است».

نظریات مشورتی:

۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۱۲۷۵ - ۱۳۹۳/۶/۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه: «بستری نمودن اجباری متهم در بیمارستان به درخواست پزشک قانونی و صرفاً به منظور احراز یا عدم احراز جنون وی در آینده فاقد وجهت قانونی است مگر اینکه این امر با تمایل متهم و یا در زمان بازداشت بودن وی ناشی از صدور قرارهای تأمین نظیر بازداشت موقت و یا به لحاظ عجز از معرفی کفیل یا وثیقه باشد که در این صورت، گرچه متهم می‌باید در بازداشتگاه نگهداری شود، اما این امر مغایرتی با بستری نمودن متهم در درمانگاه یا بیمارستان تحت مراقبت مأموران و با رعایت حقوق مربوط به بازداشتی‌ها ندارد. در هر صورت، محدودیت در آزادی تن و حق تردد متهم نیازمند تجویز قانون می‌باشد».

ماده ۵: متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.

مواد قانونی مرتبط:

- ۱- به مواد ۴۶، ۴۸، ۱۹۰، ۱۹۵، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۴۷، همین قانون نیز رجوع شود.
- ۲- بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی: «محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند».
- ۳- اصل ۳۲ قانون اساسی: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با دلایل ذکر بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».
- ۴- اصل ۳۵ قانون اساسی: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

ماده ۶: متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

مواد قانونی مرتبط:

- ۱- به ماده‌ی ۹۷ همین قانون رجوع شود.

ماده ۷: اصلاحی (۲۴/ ۹۴/۳) در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۵/ ۲/ ۱۳۸۳» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۲/ ۳/ ۱۳۷۵ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

مواد قانونی مرتبط:

- ۱- به ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۵/ ۲/ ۱۳۸۳ مندرج در (آیین‌نامه‌ها و قوانین خاص) رجوع شود.
- ۲- ماده‌ی ۵۷۰ (اصلاحی ۱۱/ ۱۰/ ۱۳۸۱) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۴/ ۴/ ۱۳۷۵: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

بخش دوم
کشف جرم و تحقیقات
مقدماتی



فصل اول - دادسرا و حدود صلاحیت آن

ماده ۲۲: به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادسرای عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادسرای نظامی تشکیل می‌شود.

ماده ۲۳: دادسرا به ریاست دادستان تشکیل می‌شود و به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری دارد.

ماده ۲۴: در حوزه قضایی بخش، وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده دادرس علی‌البدل دادگاه است.

مواد قانونی مرتبط:

۱- به مواد و تبصره ۲ ماده ۲۳۵ و ۲۹۹ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و تبصره ۳ ماده ۴۴۸ همین قانون رجوع شود.

نظریات مشورتی:

۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۹۶۳ - ۹۳/۴/۲۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: «وظایف دادستان که در ماده ۲۴ به رئیس حوزه قضایی یا دادرس واگذار شده، وظایف قضائی است و منصرف از وظایف اداری است».

ماده ۲۵: به تشخیص رئیس قوه قضائیه، دادسراهای تخصصی از قبیل دادسرای جرایم کارکنان دولت، جرایم امنیتی، جرایم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادسرای شهرستان تشکیل می‌شود.

مواد قانونی مرتبط:

۱- به مواد ۵۶۶ و ۶۶۶ همین قانون رجوع شود.

ماده ۲۶: انجام وظایف دادسرا در مورد جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، به عهده دادرسی است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می‌کند مگر آنکه قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

مواد قانونی مرتبط:

۱- به مواد ۳۰۷، ۳۰۸ و ۴۰۱ همین قانون رجوع شود.

ماده ۲۷: دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستان‌ها، مقامات قضایی دادسرای شهرستان‌های آن استان و افرادی که وظایف دادستان را در دادگاه بخش بر عهده دارند، از حیث این وظایف و نیز حسن اجرای آراء کیفری، نظارت می‌کند و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید.

مواد قانونی مرتبط:

۱- به مواد ۲۴ و ۱۰۵ و ۲۶۶ تا ۲۶۹ همین قانون رجوع شود.

بخش سوم
دادگاه‌های کیفری،
رسیدگی و صدور رأی

**فصل اول - تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری**

ماده ۲۹۴: دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شود.

مواد قانونی مرتبط:

- ۱- به ماده ۲۹۹ همین قانون رجوع شود.
- ۲- به قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۹۳/۷/۸ مواد ۵۷۸ تا ۶۰۱ مندرج در همین قانون رجوع شود.
- ۳- به آیین‌نامه ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات ۱۳۸۴، مندرج در آیین‌نامه‌ها و قوانین خاص رجوع شود.

ماده ۲۹۵: دادگاه کیفری دو با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل در حوزه قضایی هر شهرستان تشکیل می‌شود.

مواد قانونی مرتبط:

- ۱- به ماده ۳۰۱ همین قانون رجوع شود.

ماده ۲۹۶ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴): دادگاه کیفری یک دارای رئیس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت می‌یابد. در صورت عدم حضور رئیس، ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد.

تبصره ۱- دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضایی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرایم موضوع صلاحیت آن در نزدیک‌ترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲- دادرس علی‌البدل حسب مورد می‌تواند به جای رئیس یا مستشار انجام وظیفه کند. همچنین با انتخاب رئیس کل دادگستری استان، عضویت مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند بلامانع است.

تبصره ۳- دادگاه‌های کیفری استان و عمومی جزائی موجود به ترتیب به دادگاه‌های کیفری یک و دو تبدیل می‌شوند. جرایمی که تا تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون در دادگاه ثبت شده است، از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات زمان ثبت است و سایر مقررات رسیدگی طبق این قانون در همان شعب مرتبط انجام می‌شود. این تبصره در مورد دادگاه انقلاب و دادگاه‌های نظامی نیز جاری است.



مواد قانونی مرتبط:

۱- به مواد ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۷۸ با توجه به ۴۰۵ همین قانون رجوع شود.

۲- بند الف ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲:

قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجراء می‌شود:

الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضائی و صلاحیت

نظریات مشورتی:

۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۱۰۶۶-۹۴/۴/۳۱-۹۴/۴/۳۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه (مرتبط با تبصره ۱): «به موجب ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دادگاه‌های کیفری به دادگاه‌های کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوان و دادگاه نظامی تقسیم می‌شوند و مطابق ماده ۳۳۸ قانون فوق‌الذکر، در حوزه‌هایی که شعب متعدد دادگاه تشکیل می‌شود، ارجاع پرونده با رئیس حوزه قضایی است؛ بنابراین دادگاه کیفری یک که در ردیف دادگاه‌های نخستین می‌باشد، تحت ریاست و نظارت رئیس حوزه قضایی است که براساس ماده ۱۲ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸، در شهرستان‌ها رئیس دادگستری شهرستان و در شهرستان مرکز استان، رئیس کل دادگاه‌ها بر دادگاه‌های نخستین، ریاست و نظارت اداری دارد و نیز مطابق ماده ۴۴۸ قانون صدرالذکر و ماده ۱۲ قانون اخیرالذکر، رئیس کل دادگستری استان، رئیس کل دادگاه‌های تجدیدنظر استان است. بنابه مراتب دادگاه کیفری یک، اعم از اینکه در مرکز استان یا در هر یک از شهرستان‌های استان تشکیل شود، از حیث تشکیلات اداری، وابسته به تشکیلات دادگستری شهرستان مرکز استان یا همان دادگستری است که در حوزه آن تشکیل گردیده است و موجب قانونی جهت انفکاک دادگاه کیفری یک از تشکیلات اداری دادگستری مرکز استان یا دادگستری شهرستان محل استقرار وجود ندارد. بدیهی است که این امر نافی ریاست و نظارت کلی رئیس کل دادگستری استان بر دادگاه‌های کیفری یک و مداخله در امور تشکیلاتی مربوط به این دادگاه در موارد مصرحه قانونی نظیر تبصره ۲ ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نمی‌باشد.»

۲- از نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۲۸۴۴-۹۳/۱۱/۱۵-۹۳/۱۱/۱۵ اداره کل حقوقی قوه قضائیه (مرتبط با تبصره ۲): «با توجه به تصریح تبصره ۲ ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر انتخاب مستشاران دادگاه‌های تجدید نظر از سوی رئیس کل دادگستری استان، تعیین مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر در دادگاه‌های کیفری یک و انقلاب (در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کنند) با ابلاغ رئیس کل دادگستری استان (که به صورت موردی و در پرونده خاص است) نیاز به صدور ابلاغ قضایی از سوی ریاست محترم قوه قضائیه ندارد.»

۳- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۶۱۳-۷/۹۴/۳/۹-۱۳۹۴/۳/۹ اداره کل حقوقی قوه قضائیه (مرتبط با تبصره ۳): «با لازم‌الاجرا شدن قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، براساس تبصره ۳ ماده ۲۹۶ آن قانون، دادگاه‌های کیفری استان به دادگاه کیفری یک تبدیل خواهند شد. تبصره مذکور در مقام تعیین تکلیف صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های در جریان از تاریخ اجرای قانون مزبور است. براساس این تبصره در مورد پرونده‌های در جریان رسیدگی، دادگاه جانشین صلاحیت خود را نه براساس قانون جدید (مواد ۳۰۱ و ۳۰۲)، بلکه براساس قانون حاکم در تاریخ ثبت پرونده در دادگاه سابق خواهد سنجید. اگر در تاریخ مزبور، دادگاه سابق صلاحیت رسیدگی به پرونده را داشته باشد، دادگاه جانشین نیز صالح به رسیدگی به آن خواهد بود.»



ماده ۲۹۷ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴): دادگاه انقلاب در مرکز هر استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضائی شهرستان ها تشکیل می‌شود. این دادگاه برای رسیدگی به جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون دارای رئیس و دو مستشار است که با دو عضو نیز رسمیت دارد. دادگاه برای رسیدگی به سایر موضوعات با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل یا یک مستشار تشکیل می‌شود. تبصره- مقررات دادرسی دادگاه کیفری یک به شرح مندرج در این قانون در دادگاه انقلاب، در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند جاری است.

مواد قانونی مرتبط:

۱- به ماده ۳۰۳ و مواد ۳۸۲ تا ۴۰۵ (مقررات دادرسی...تبصره) و ۲۹۶ همین قانون رجوع شود.

ماده ۲۹۸ (اصلاحی ۹۴/۳/۲۴): دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود. نظر- مشاور، مشورتی است.

تبصره- در هر حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان برحسب نیاز تشکیل می‌شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرایم اطفال و نوجوانان به جز جرایم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود.

مواد قانونی مرتبط:

۱- به مواد ۳۰۴، ۴۰۹، ۴۱۰ همین قانون رجوع شود.

ماده ۲۹۹: در صورت ضرورت به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه بخش، دادگاه عمومی بخش تشکیل می‌شود. این دادگاه به تمامی جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌کند. تبصره ۱- به تشخیص رئیس قوه قضائیه، تشکیل دادگاه عمومی بخش در شهرستان‌های جدید که به لحاظ قَلت میزان دعاوی حقوقی و کیفری، ضرورتی به تشکیل دادگستری نباشد بلامانع است. تبصره ۲- به تشخیص رئیس قوه قضائیه، در حوزه قضایی بخش‌هایی که به لحاظ کثرت میزان دعاوی حقوقی و کیفری، ضرورت ایجاد می‌کند، تشکیل دادگستری با همان صلاحیت و تشکیلات دادگستری شهرستان بلامانع است.

مواد قانونی مرتبط:

۱- به مواد ۲۴، ۳۳۶ و تبصره ۱ ماده ۱۱۹ همین قانون رجوع شود.

بخش چهارم اعتراض به آراء



فصل اول - کلیات

ماده ۴۲۶ (اصلاحی ۹۴/۳/۲۴): دادگاه تجدیدنظر استان مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آرای غیرقطعی کیفری است، جز در مواردی که در صلاحیت دیوان عالی کشور باشد. دادگاه تجدیدنظر استان در مرکز هر استان تشکیل می‌شود. این دادگاه دارای رئیس و دو مستشار است، دادگاه تجدیدنظر و شعب دیوان عالی کشور با دو عضو نیز رسمیت دارند.

مواد قانونی مرتبط:

۱- به مواد ۴۲۸؛ ۴۷۶ و ۴۷۷ (مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به احکام، بعد از قطعیت آنها) همین قانون رجوع شود.

ماده ۴۲۷: آرای دادگاه‌های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می‌شود، حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر استان همان حوزه قضایی قابل تجدیدنظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است:

الف- جرایم تعزیری درجه هشت باشد.

ب- جرایم مستلزم پرداخت دیه یا ارض، در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد.

تبصره ۱- در مورد مجازات‌های جایگزین حبس، معیار قابلیت تجدیدنظر، همان مجازات قانونی اولیه است.

تبصره ۲- آراء قابل تجدیدنظر، اعم از محکومیت، برائت، یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب، اناطه و تعویق صدور حکم است. قرار رد درخواست و خواهی یا تجدیدنظر خواهی، در صورتی مشمول این حکم است که رأی راجع به اصل دعوی، قابل تجدیدنظر خواهی باشد.

مواد قانونی مرتبط:

۱- به عنوان استثنایی بر بند «الف» به ماده ۸۰ همین قانون رجوع شود.

۲- بند ۵ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۳۴۵/۶/۲۵ برابر با ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶: «هرکس مرتکب جرمی اعلام بشود حق دارد که اعلام مجرمیت و محکومیت او به وسیله یک دادگاه عالی تری طبق قانون مورد رسیدگی واقع بشود.

۳- در خصوص مجازات‌های جایگزین مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۰ (مرتبط با تبصره):

ماده ۶۴- مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکي و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجراء می‌شود.

تبصره دادگاه در ضمن حکم، به سنخیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می‌کند. دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازات‌های جایگزین حکم دهد.

ماده ۶۵- مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.



ماده ۶۶ - مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:

الف - بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری

ب - یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه»

ماده ۶۷ - دادگاه می‌تواند مرتکبان جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یکسال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند، در صورت وجود شرایط ماده (۶۶) این قانون اعمال مجازات‌های جایگزین حبس ممنوع است.

ماده ۶۸ - مرتکبان جرائم غیرعمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر اینکه مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد که در این صورت حکم به مجازات جایگزین حبس، اختیاری است.

ماده ۶۹ - مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.

ماده ۷۰ - دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجراء شود.

ماده ۷۱ - اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است.

ماده ۷۲ - تعدد جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از شش ماه حبس باشد مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.

ماده ۷۳ - در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید.

ماده ۷۴ - مقررات این فصل در مورد احکام قطعی که پیش از لازم‌الاجراء شدن این قانون صادر شده است اجراء نمی‌شود.

ماده ۷۵ - همراه بودن سایر مجازات‌ها با مجازات حبس، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نیست. در این صورت دادگاه می‌تواند به مجازات‌های مذکور همزمان با مجازات جایگزین حبس حکم دهد.

ماده ۷۶ - ملاک تعیین صلاحیت دادگاه و تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت به مجازات جایگزین حبس، مجازات قانونی جرم ارتكابی است.

ماده ۷۷ - قاضی اجرای احکام می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند. قاضی مذکور به تعداد لازم مددکار اجتماعی و مأمور مراقبت در اختیار دارد.

ماده ۷۸ - محکوم در طول دوره محکومیت باید تغییراتی نظیر تغییر شغل و محل اقامت را که مانع یا مخل اجرای حکم باشد به قاضی اجرای احکام اطلاع دهد.

ماده ۷۹ - تعیین انواع خدمات عمومی و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان و نحوه همکاری آنان با قاضی اجرای احکام و محکوم، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به وسیله وزارتخانه‌های کشور و دادگستری تهیه می‌شود و با تأیید رئیس قوه قضاییه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. مقررات این فصل پس از تصویب آیین‌نامه موضوع این ماده لازم‌الاجراء می‌شود.

ماده ۸۰ - چنانچه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای یکبار بقیه مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد.

ماده ۸۱ - چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجراء می‌گردد.

تبصره - دادگاه در متن حکم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم را به‌طور صریح قید و به محکوم تفهیم می‌کند. قاضی اجرای احکام نیز در ضمن اجراء با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقررات مربوط، نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می‌نماید.

ماده ۸۲ - چنانچه اجراء تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجراء نشده آن بعد از رفع مانع اجراء می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد مجازات اصلی اجراء می‌شود.

ماده ۸۳ - دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می‌گردد:

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است تا شش ماه

ب- در جرائمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال

ت- در جرائم غیرعمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال

ماده ۸۴ - خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین به شرح ذیل مورد حکم واقع می‌شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجراء می‌گردد:

الف- جرائم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا دویست و هفتاد ساعت

ب- جرائم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) دویست و هفتاد تا پانصد و چهل ساعت

پ- جرائم موضوع بند (پ) ماده (۸۳) پانصد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت

ت- جرائم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) هزار و هشتاد تا دو هزار و صد و شصت ساعت

تبصره ۱- ساعات ارائه خدمت عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرارمعاش متعارف محکوم شود.

تبصره ۲- حکم به ارائه خدمت عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت‌های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان‌آور است.

تبصره ۳- دادگاه نمی‌تواند به بیش از یک خدمت عمومی مقرر در آیین‌نامه موضوع این فصل حکم دهد. در هر حال در صورت عدم رضایت محکوم، به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود.



تبصره ۴- قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آنها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد دهد.

ماده ۸۵ - جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم که به شرح زیر مورد حکم واقع می‌شود و با نظارت اجرای احکام وصول می‌گردد:

الف- جرائم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا یکصد و هشتاد روز

ب- جرائم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) یکصد و هشتاد تا سیصد و شصت روز

پ- جرائم موضوع بند (پ) ماده (۸۳) سیصد و شصت تا هفتصد و بیست روز

ت- جرائم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) هفتصد و بیست تا هزار و چهارصد و چهل روز

تبصره - محکوم موظف است در پایان هر ماه ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید.

ماده ۸۶ - میزان جزای نقدی جایگزین حبس به شرح زیر است:

الف- جرائم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا نه میلیون (۹,۰۰۰,۰۰۰) ریال

ب- جرائم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) از نه میلیون (۹,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هجده میلیون (۱۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال

پ- جرائم موضوع بند (پ) ماده (۸۳) از هجده میلیون (۱۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا سی و شش میلیون (۳۶,۰۰۰,۰۰۰) ریال

ت- جرائم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) از سی و شش میلیون (۳۶,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هفتاد و دو میلیون (۷۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال

ماده ۸۷- دادگاه می‌تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی نیز محکوم نماید. در این صورت مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال شود.

رأی وحدت رویه:

۱- رأی وحدت رویه شماره ۶۴۰ - ۱۳۷۸/۸/۱۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «از بند ب ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب چنین مستفاد می‌شود که قرارهای مذکور در ماده یاد شده مربوط به امور حقوقی است نه کیفری ضمناً از نظر تنقیح مناسبت از ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ که قرار اناطه را جزء قرارهای قابل شکایت دانسته و نیز با توجه به ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب که صرفاً احکام را قطعی اعلام نموده و اصل بر قابل اعتراض بودن قرارهایی است که اصدار آنها موجبات اضرار به حقوق اصحاب دعوی را فراهم می‌سازد و با توجه به این که معمولاً قرارهای قطعی در قانون ذکر می‌شود و چنین امری در ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (قانون سابق) در خصوص قرار اناطه بیان نشده، به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران دایر بر قابل تجدیدنظر بودن قرار اناطه منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌شود این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (قانون سابق) برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.»

بخش پنجم
اجرای احکام کیفری و
اقدامات تأمینی و تربیتی



فصل اول - کلیات

ماده ۴۸۴ (اصلاحی ۹۴/۳/۲۴): اجرای احکام کیفری برعهده دادستان است و «معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست و نظارت وی در مناطقی که رئیس قوه قضائیه تشخیص می‌دهد، در دادرسی عهده‌دار این وظیفه است. تبصره ۱- معاونت اجرای احکام کیفری، می‌تواند در صورت ضرورت دارای واحد یا واحدهای تخصصی برای اجرای احکام باشد.

تبصره ۲- معاونت اجرای احکام کیفری با واحدی از آن می‌تواند با تصویب رئیس قوه قضائیه در زندان‌ها و یا مؤسسات کیفری مستقر شود. شیوه استقرار و اجرای وظایف آنها به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. تبصره ۳- در حوزه قضایی بخش، اجرای احکام کیفری به عهده رئیس دادگاه و در غیاب وی با دادرسی علی‌البدل است.

مواد قانونی مرتبط:

۱- به ماده ۵۲۹ و تبصره ۲ ماده ۱۵۰ همین قانون رجوع شود (دادستان اجرای حکم را زیر نظر دادگاه نخستین انجام می‌دهد).

ماده ۴۸۵: معاونت اجرای احکام کیفری به تعداد لازم قاضی اجرای احکام کیفری، مددکار اجتماعی، مأمور اجراء و مأمور مراقبتی در اختیار دارد.

تبصره- قاضی اجرای احکام کیفری باید حداقل سه سال سابقه خدمت قضایی داشته باشد.

ماده ۴۸۶: قوه قضائیه به منظور انجام وظایف مددکاران اجتماعی، تشکیلات مناسبی تحت عنوان «مددکاری اجتماعی» را در حوزه قضایی هر شهرستان ایجاد می‌نماید.

ماده ۴۸۷: مددکاران اجتماعی از بین فارغ‌التحصیلان رشته‌های مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و حقوق استخدام می‌شوند.

تبصره- در رشته‌های مذکور، اولویت با فارغ‌التحصیلان رشته مددکاری اجتماعی است.

ماده ۴۸۸: در هر معاونت اجرای احکام کیفری، واحد سجل کیفری و عفو و بخشودگی برای انجام وظایف زیر تشکیل می‌شود:

الف- ایجاد بانک اطلاعاتی مجرمان خطرناک، متهمان تحت تعقیب و متواری و محکومان فراری

ب- تنظیم برگ سجل کیفری محکوم‌علیه در محکومیت‌های مؤثر کیفری با ثبت و درج مشخصات دقیق و اثر انگشت و تصویر وی به صورت الکترونیکی

پ- ثبت و ارسال درخواست عفو محکوم‌علیه و نیز پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومان طبق مقررات

تبصره ۱- ترتیب ثبت و تنظیم این مشخصات، امکان دسترسی به این اطلاعات و چگونگی تشکیل و راه‌اندازی شبکه الکترونیکی سجل کیفری با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی و به موجب آیین‌نامه‌ای است که



ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲- اقدامات موضوع بندهای (الف) و (ب) این ماده با همکاری نیروی انتظامی و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی صورت می‌گیرد.

مواد قانونی مرتبط:

۱- برای دیدن مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی به مواد ۶۴۹ تا ۶۶۳ همین قانون رجوع شود.

ماده ۴۸۹: وظایف قاضی اجرای احکام کیفری عبارت است از:

الف- صدور دستور اجرای احکام لازم‌الاجراء کیفری و نظارت بر شیوه اجرای آنها

ب- نظارت بر زندان‌ها در امور راجع به زندانیان

پ- اعلام نظر درباره زندانیان واجد شرایط عفو و آزادی مشروط مطابق قوانین و مقررات

ت- اعطای مرخصی به محکومان براساس قوانین و مقررات

ث- اتخاذ تصمیم درباره محکومان سالمند، مبتلایان به بیماری‌های روانی و بیماری‌های جسمی صعب‌العلاج و سایر افراد محکوم نیازمند به مراقبت و توجه ویژه، از قبیل صدور اجازه بستری برای آنها در مراکز درمانی بر اساس ضوابط و مقررات

ج- اجرای سایر وظایفی که به موجب قوانین و مقررات برای اجرای مجازات‌ها وضع شده یا بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری یا ناظر زندان قرار گرفته است.

ماده ۴۹۰: آراء کیفری در موارد زیر پس از ابلاغ به موقع اجراء گذاشته می‌شود:

الف- رأی قطعی که دادگاه نخستین صادر می‌کند؛

ب- رأیی که در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام آن رد شده باشد؛

پ- رأیی که مرجع تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد؛

ت- رأیی که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد.

مواد قانونی مرتبط:

۱- به مواد ۴۰۶ و ۴۳۱ همین قانون رجوع شود.

ماده ۴۹۱: هرگاه قاضی اجرای احکام کیفری، رأی صادره را از لحاظ قانونی لازم‌الاجراء نداند، مراتب را با اطلاع دادستان به دادگاه صادرکننده رأی قطعی اعلام و مطابق تصمیم دادگاه اقدام می‌کند.



مواد قانونی مرتبط:

۱- به ماده ۴۹۰ همین قانون رجوع شود.

ماده ۴۹۲: هرگاه رأی، در خصوص اشخاص متعدد صادر شده باشد و در موعد مقرر بعضی از آنان اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام کرده باشند، پس از گذشت مهلت اعتراض و یا تجدیدنظر یا فرجام در مورد بقیه لازم‌الاجراء است.

ماده ۴۹۳: اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام درباره یک قسمت از رأی، مانع از اجرای سایر قسمت‌های لازم‌الاجراء آن نیست.

ماده ۴۹۴: عملیات اجرای رأی با دستور قاضی اجرای احکام کیفری شروع می‌شود و به هیچ وجه متوقف نمی‌شود، مگر در مواردی که قانون مقرر نماید.

ماده ۴۹۵: آراء کیفری به دستور و تحت نظارت قاضی اجرای احکام کیفری اجراء می‌شود و در مواردی که طبق قانون، اجرای رأی باید توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها و نهادهایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است به عمل آید، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور اجراء و ارائه تعلیمات لازم، بر چگونگی اجراء و اقدامات آنها نظارت دارد.

ماده ۴۹۶: تمام ضابطان دادگستری، نیروهای انتظامی و نظامی، مقامات و مستخدمان وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمان‌ها و نهادهایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است، در حدود وظایف خود مکلفند دستور قاضی اجرای احکام کیفری را در مقام اجرای رأی که مرتبط با اجرای آن است رعایت کنند. متخلف از مقررات این ماده، علاوه بر تعقیب انتظامی و اداری، به مجازات مقرر قانونی نیز محکوم می‌شود.

مواد قانونی مرتبط:

۱- ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴: «چنانچه هر یک از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوءاستفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد».

ماده ۴۹۷: رفع ابهام و اجمال از رأی با دادگاه صادرکننده رأی قطعی است، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با رعایت موازین شرعی و قانونی، با قاضی اجرای احکام کیفری است که رأی زیر نظر او اجراء می‌شود.

بخش ششم
هزینه دادرسی

بخش هفتم
سایر مقررات



ماده ۵۶۶: تمام مراجع قضایی موضوع این قانون مکلفند با توجه به نوع دعاوی به تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع قضایی برای رسیدگی تخصصی اقدام کنند.

تبصره- شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی اعم از حقوقی و کیفری موضوع این ماده به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۵۶۷: در اجرای تکالیف مقرر در تبصره ماده (۱۴۵)، تبصره ماده (۱۴۷)، مواد (۲۱۵)، (۳۴۷) و (۳۴۸) این قانون و در تمام مواردی که به موجب مقررات این قانون، انجام تحقیقات و یا هر اقدام دیگری، مستلزم پرداخت هزینه از سوی دولت است، اعتبار آن هر سال در ردیف مستقلی در بودجه کل کشور پیش‌بینی و منظور می‌شود.

ماده ۵۶۸: مواردی که مقررات ویژه‌ای برای دادرسی جرایم اطفال و نوجوانان و نیروهای مسلح مقرر نگردیده تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است.

مواد قانونی مرتبط:

۱- به مواد ۵۷۱ تا ۶۹۹ همین قانون رجوع شود.

ماده ۵۶۹: نسخ شد.

ماده ۵۷۰: از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۳۰ / ۵ / ۱۳۹۱، قانون راجع به محاکمه و مجازات مأموران به خدمات عمومی مصوب ۲ / ۶ / ۱۳۱۵، لایحه مربوط به تشکیل دیوان کیفر کارکنان دولت و طرز تعقیب مأموران دولتی در محل خدمت مصوب ۱۹ / ۲ / ۱۳۳۴، مواد (۶)، (۱۵)، (۱۷)، (۱۸)، (۲۱)، (۲۲)، (۲۳)، (۲۴) و (۲۵) از قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۲۵ / ۳ / ۱۳۵۶، لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۱۰ / ۷ / ۱۳۵۸ شورای انقلاب، لایحه قانونی راجع به مأموران سازمان قند و شکر که مأمور کشف و تعقیب جرایم مربوط به اخلاص کنندگان در امر عرضه، توزیع و یا فروش قند و شکر می‌شوند مصوب ۲۱ / ۴ / ۱۳۵۹ شورای انقلاب، قانون تشکیل دادگاه‌های سیار مصوب ۱ / ۶ / ۱۳۶۶، مواد (۱)، (۷)، (۸)، (۹)، (۱۶)، (۱۷)، (۲۲) و (۲۴) و تبصره (۱) از ماده (۲۸) در رابطه با امور کیفری و مواد (۳)، (۵) و بند (ج) و تبصره‌های (۱) و (۲) از ماده (۱۴) و ماده (۱۸) و تبصره (۱) تا (۶) از ماده (۲۰) از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۵ / ۴ / ۱۳۷۳، ماده (۱) از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۰ / ۸ / ۱۳۷۷، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۲۸ / ۶ / ۱۳۷۸، ماده (۲۱) از قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۳۱ / ۲ / ۱۳۸۷، ماده (۳۲) از قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۸ / ۱۷ / ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون



تفسیر ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۰/۹/۱۳۸۷ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها و سایر قوانین در موارد مغایر، نسخ می‌شود.

مواد قانونی مرتبط:

- ۱- به ماده ۶۶۹ همین قانون رجوع شود.
- ۲- ماده ۲۹ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۹۴/۳/۲۳: «قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۰/۸/۱۳۷۷ و قانون اعسار مصوب ۲۰/۹/۱۳۱۳ و ماده (۵۲۴) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۲۱/۱/۱۳۷۹ نسخ می‌شود».

رأی وحدت رویه:

۱- رأی وحدت رویه شماره ۵۲۶ - ۱۳۶۸/۲/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «نظر به ماده ۴ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر این که در خود قانون مقررات خاصی اتخاذ شده باشد و نظر به این که در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی به آنها مصوب مهر ماه ۱۳۶۷ مقررات خاصی برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر محکوم‌علیه نسبت به احکام سابق دادگاه‌های کیفری قید نشده و بر طبق بند ب از مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی مصوب آذر ماه ۱۳۴۹ آراء دادگاه‌ها از حیث قابلیت اعتراض و پژوهش و فرجام تابع قانون مجری در زمان صدور آن می‌باشد لذا محکوم‌علیه حکم کیفری که قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها (۶۷،۹،۴) صادر گردیده نمی‌تواند رأساً به استناد قانون مزبور درخواست تجدیدنظر نماید این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.»

بخش هشتم
آیین دادرسی جرائم
نیروهای مسلح



فصل اول - کلیات

ماده ۵۷۱: سازمان قضائی نیروهای مسلح که در این قانون به اختصار سازمان قضائی نامیده می‌شود، شامل دادسرا و دادگاه‌های نظامی به شرح مواد آتی است.

مواد قانونی مرتبط:

- ۱- ماده واحده قانون الحاق سازمان قضائی ارتش به دادگستری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۰/۸/۱۰ با اصلاحات بعدی: در اجرای اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از تاریخ تصویب این قانون سازمان قضائی ارتش جمهوری اسلامی ایران و کلیه دادسراها و دادگاه‌های نظامی مستقر در سراسر کشور از ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران جدا و به وزارت دادگستری ملحق می‌گردد.
- تبصره ۱- رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از طرف شورای عالی قضائی تعیین و به این سمت منصوب می‌شود.
- تبصره ۲- عزل و نصب و تغییر محل کار قضات ارتش با پیشنهاد رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و به استناد بند ۳ اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی با شورای عالی قضائی است.
- تبصره ۳- بودجه سازمان همه ساله در بودجه کل کشور در ردیف مستقل ذیل ردیف دادگستری منظور خواهد شد.
- تبصره ۴- کلیه دارایی‌ها و اموال منقول و غیرمنقول مربوط به مراجع قضائی سابق نیروهای مسلح (اداره دادرسی ارتش، دادستانی انقلاب اسلامی ارتش، دادستانی عمومی و انقلاب پاسداران) همراه با اعتبارات مربوطه از ارتش و سپاه و سایر نیروها و نهادها منتزع به این سازمان منتقل می‌شود.
- تبصره ۵- کارمندان غیرنظامی سازمان قضائی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران کماکان تابع قانون استخدام کشوری خواهند بود.
- تبصره ۶- از این پس سازمان قضائی فوق مسئول رسیدگی به جرایم خاص نظامی و انتظامی همه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، ارتش - شهربانی - ژاندارمری - سپاه - پلیس قضائی - بسیج - کمیته‌های انقلاب اسلامی و هر نیروهای مسلح قانونی دیگری باشد.
- تبصره ۷- تشکیلات اداری سازمان توسط وزیر دادگستری و رئیس سازمان امور اداری و استخدامی و رئیس سازمان قضائی تهیه و به تصویب ریاست قوه قضائیه خواهد رسید.
- تبصره ۸- از تاریخ ابلاغ و تصویب آیین‌نامه مربوط به این قانون هیچ مرجع قضائی در نیروهای مسلح جز در رابطه با این سازمان رسمیت نخواهد داشت.
- تبصره ۹- از تاریخ تصویب این قانون نام سازمان قضائی ارتش به سازمان قضائی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تغییر می‌یابد.
- ۲- اصل ۱۷۲ قانون اساسی: برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.



ماده ۵۷۲: رئیس سازمان قضائی از بین قضائی که حداقل پانزده سال سابقه خدمت قضائی داشته باشند، توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود.

ماده ۵۷۳: رئیس سازمان قضائی علاوه بر ریاست اداری و نظارت بر کلیه سازمان‌های قضائی استان‌ها، ریاست شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نظامی استان تهران را نیز برعهده دارد و می‌تواند یک نفر قائم‌مقام و به تعداد لازم معاون داشته باشد.

تبصره- ایجاد تشکیلات قضائی و اداری در سازمان قضائی و انتصاب قضات سازمان همچنین تغییر سمت یا محل خدمت آنان با رعایت اصل یکمصد و شصت و چهارم (۱۶۴) قانون اساسی به تشخیص رئیس قوه قضائیه است. رئیس سازمان قضائی می‌تواند پیشنهادهای خود را در موارد مزبور به رئیس قوه قضائیه ارائه نماید.

مواد قانونی مرتبط:

- ۱- ماده ۹ قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن (مرتبط با تبصره): «نیروهای نظامی و انتظامی بنا به پیشنهاد رئیس سازمان قضائی مکلف به انتقال یا مأموریت حقوقدانان نظامی و پرسنل مورد لزوم به این سازمان هستند».
- ۲- اصل ۱۶۴ قانون اساسی: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد».

ماده ۵۷۴: معاونان و مدیران کل سازمان قضائی می‌توانند با ابلاغ رئیس قوه قضائیه، عضو دادگاه‌های نظامی یک و یا تجدیدنظر نظامی تهران نیز باشند.

تبصره- مقررات این ماده فقط درباره دارندگان پایه قضائی و یا قضات نظامی قابل اجراء است.

ماده ۵۷۵: هرگاه در اثر وقوع جرم، ضرر و زیان مادی به نیروهای مسلح وارد شود، یگان مربوط مکلف است تمام ادله و مدارک خود را به مرجع تعقیب تسلیم کند و نیز تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است اما نیازی به پرداخت هزینه دادرسی ندارد.

تبصره ۱- دعوای اعسار از پرداخت محکوم‌به موضوع این ماده، باید به طرفیت یگان محکوم‌له دعوای اصلی اقامه شود.

تبصره ۲- یگان متضرر از جرم، حق طرح دعوی، دفاع و پیگیری دعوی، اعتراض و تجدیدنظرخواهی را مطابق مقررات مربوط دارد و گذشت یگان مذکور مسموع نیست.

ماده ۵۷۶: رسیدگی به دعوای خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی که به تبع امر کیفری در دادگاه‌های نظامی مطرح می‌شود، مستلزم تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

قوانین خاص



قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴

ماده ۱: به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی، شوراهای حل اختلاف که در این قانون به اختصار «شورا» نامیده می‌شوند، تحت نظارت قوه قضائیه و با شرایط مقرر در این قانون تشکیل می‌گردد. تبصره - تعیین محدوده فعالیت جغرافیایی شورا در هر حوزه قضائی به عهده رئیس همان حوزه قضائی می‌باشد.

ماده ۲: شوراهای حل اختلاف در شهرها و در صورت لزوم در روستاها به تعداد لازم تشکیل می‌گردد. تبصره - رئیس قوه قضائیه می‌تواند برای رسیدگی به امور خاص به ترتیب مقرر در این قانون شوراهای تخصصی تشکیل دهد. **ماده ۳:** هر شورا دارای رئیس، دو نفر عضو اصلی و یک نفر عضو علی‌البدل است و در صورت نیاز می‌تواند برای انجام وظایف خود دارای مسئول دفتر باشد که توسط رئیس حوزه قضائی مربوط پیشنهاد و ابلاغ آن از سوی رئیس کل دادگستری استان یا معاون ذیربط وی صادر می‌شود.

ماده ۴: در هر حوزه قضائی یک یا چند نفر قاضی دادگستری که قاضی شورا نامیده می‌شوند، مطابق مقررات این قانون انجام وظیفه می‌نمایند.

تبصره ۱- قوه قضائیه می‌تواند برای تأمین قضات شورا از میان قضات شاغل یا بازنشسته استفاده نماید.

تبصره ۲- مرکز امور شوراهای حل اختلاف شورا به صورت تمام وقت یا پاره وقت استفاده نماید.

تبصره ۳- رئیس قوه قضائیه می‌تواند یک قاضی را برای چند شورا تعیین نماید.

ماده ۵: حکم انتصاب قاضی شورا توسط رئیس قوه قضائیه و حکم انتصاب هریک از اعضای شورا پس از احراز شرایط مقرر در این قانون، با پیشنهاد رئیس کل دادگستری توسط رئیس مرکز امور شوراهای صادر می‌شود.

ماده ۶: اعضاء شورا باید دارای شرایط زیر باشند:

(الف) متدین به دین مبین اسلام

(ب) تابعیت جمهوری اسلامی ایران

(پ) التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ولایت مطلقه فقیه

(ت) حسن شهرت به امانت و دیانت و صحت عمل

(ث) عدم استفاده از مشروبات الکلی و عدم اعتیاد به مواد مخدر یا روان‌گردان

(ج) حداقل سی سال سن تمام

(چ) کارت پایان خدمت وظیفه عمومی یا معافیت از آن برای مشمولان

(ح) حداقل مدرک کارشناسی یا مدرک حوزوی معادل برای تمام اعضای شورای حل اختلاف شهر و در شورای روستا سواد خواندن و نوشتن و ترجیحاً داشتن دیپلم و بالاتر

(خ) متأهل بودن

(د) سابقه سکونت در حوزه شورا حداقل به مدت شش ماه و تداوم سکونت پس از عضویت

(ذ) نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی

تبصره ۱- برای عضویت در شورا دارندگان مدرک دانشگاهی یا حوزوی در رشته‌های حقوقی قضائی یا الهیات با گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی در اولویت هستند و حداقل یک نفر از اعضای شورای حل اختلاف شهر باید از میان دارندگان مدارک تحصیلی فوق باشد.

تبصره ۲- افرادی که پیش از لازم الاجراء شدن این قانون به عضویت شوراهای درآمده‌اند در صورت نداشتن شرایط موضوع بندهای (ح) و (خ) ادامه عضویتشان بلامانع است.

تبصره ۳- رئیس قوه قضائیه می‌تواند برای صلح و سازش در دعاوی و شکایات اقلیت‌های دینی موضوع اصل سیزدهم (۱۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای حل اختلاف خاص آنان تشکیل دهد. اعضای این شورا باید متدین به دین خود باشند.

تبصره ۴- اعضای شورا قبل از شروع به کار مکلفند مطابق سوگندنامه‌ای که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و تصویب می‌شود، سوگند یاد نمایند.